

جایگاه عقلانیت در مدیریت فرهنگی از نگاه اسلام

احمد رضا خزایی^۱

چکیده

در این نوشه تلاش می کنیم تا ضمن تعریف عقل، فرهنگ، مدیریت فرهنگی و مدیریت از دیدگاه اسلام، جایگاه عقل عملی در مدیریت فرهنگی را بررسی نماییم. سوال اصلی این است که نقش عقلانیت در مدیریت فرهنگی چیست؟ پاسخ این است که عقل با توجه به موضوع اجتهاد و حجت آن در عرض ادله استبطاط احکام شرعی بوده و همچنین در فهم برخی از مصالح و مفاسد و ملاکات احکام و حسن و قبح وجود ملازمه میان حکم شرع و عقل و تفسیر و تاویل متون، در مدیریت فرهنگی جامعه و مقابله با آسیب های اجتماعی و ... نقشی اساسی ایفا می کند. طبق نظر اکثر اندیشمندان اسلامی این اصل پذیرفته شده است که آیات و احادیث را می توان با محک عقل سنجید و اگر با عقل مخالفت داشته باشد، باید تاویل شوند. همچنین این مبنای ظواهر دینی در برابر براهین عقلی، مقاومت ندارد مورد قبول همه متفکران اسلامی است. در پایان ویژگی های مدیر فرهنگی را از دیدگاه آیات کریمه مورد بررسی قرار داده ایم:

کلید واژه ها : قرآن ، عقل ، مدیریت فرهنگی ، فرهنگ

جایگاه عقل در مدیریت فرهنگی و بررسی زمینه های بهره مندی از آن به این صورت است که از یک سو بشر امروز بر عقل مبتنی بر تجربه تکیه دارد و منبع دیگری را برای کسب معرفت نمی شناسد و از طرف دیگر مسلمانان عقیده دارند که خداوند بسیاری از معارف مورد نیاز بشر را در حوزه های مختلف از جمله اخلاق، فرهنگ، حقوق، سیاست و ... از طریق متون وحیانی اعم از قرآن و سنت در اختیار ما قرار داده و وظیفه ما در عصر حاضر استفاده از متون دینی برای غنای معارف بشری است. دانشمندان مسلمان که خود از زمان های گذشته در خصوص جایگاه عقل در فهم متون و حجت بودن آن به تأمل پرداخته اند، امروزه بیش از پیش بحث و گفتگو درباره جایگاه عقل در عرصه فرهنگ اسلامی را ضروری می دانند.

اداره یک جامعه الزامات و اقتضائات خاصی دارد که هر نظام و مکتب مدعی مدیریت اجتماع ناچار از پذیرش آن است. از جمله این الزامات تحول مداوم مسائل مربوط به اجتماع از جمله فرهنگ آن است. بنابراین نظام فکری ای که در پی مدیریت جامعه است باید بتواند تحولات و تغییرات را مدیریت کند یعنی باید بتواند این تغییرات را به نحوی جهت دهد که جامعه از سلامت بالاتری برخوردار شود.

در این میان عقل و استناد به آن همواره در فرهنگ اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و نزاع و اختلاف بر سر حجت آن، قدرت در ک حسن و قبح توسط آن و ... در اسلام دارای پیشینه ای دیرینه است. و بحث حجت و عدم حجت عقل و سایر مسائل مربوط به این حوزه زمانی شکل گرفت که به ظاهر برخی از احکام ناشی از عقل مخالف با احکام شرع که منبعی فراتر از عقل است، درآمد یا عده ای تصور کردند که با وجود دین و بیان احکام و مسائل توسط شارع دیگر نیازی به رجوع به عقل نیست و تلقی آنها این بود که شارع همه امور لازم زندگی را بیان کرده و دیگر نیازی به استفاده از عقل نیست .

سؤالات متعددی در این خصوص مطرح است از جمله اینکه اگر در خصوص موضوعی تحت شرایط خاصی آیه و روایتی صادر شده باشد آیا فقیه می تواند به جزء فهم اولیه و کلی آن روایت، نظر دیگری دهد مثلاً شرایط زمانی و مکانی، علت سوال و ... را لاحظ نموده و با قطع نظر از روح شریعت به چیزی فراتر از ظاهر آن روایت حکم کند یا خیر؟ آیا می تواند بدون در نظر گرفتن آن شرایط به همان حکم در زمان و مکان و موقعیتی دیگر فتوا دهد؟ آیا فهم و برداشت های عقلی از نصوص دینی و قرآنی اعتبار دارد یا خیر؟ این مسئله سالها است که محل اختلاف نظریه پردازان جهان اسلام است و عقیده های مختلفی در این حوزه بوجود آمده است که مهم ترین آن مکاتب فکری عبارتند از اخباریون، اصولیون، معزاله، اشعاره، حدیث گرایان و ... آیا مدیریت متحول فرهنگی - اجتماعی می تواند بدون استفاده از عقل به سرانجام مطلوب برسد و با ساختاری مناسب جامعه را به سعادت و عدالت راهبری کند؟ چون انسان همانند حیوان نیست که زندگی او بر اساس غریزه باشد و هیچ تحول و دگرگونی ای نداشته باشد بلکه زندگی فرهنگی - اجتماعی انسان چون زندگی او بر اساس عقل است همواره دستخوش تحول است و راز اشرف مخلوقات بودن انسان همین است، انسان فرزند بالغ و رشید طبیعت است. به مرحله ای رسیده است که دیگر نیازی به قیومیت و سرپرستی مستقیم طبیعت به اینکه نیروی مرموزی به نام غریزه او را هدایت کند - ندارد او با عقل زندگی می کند نه غریزه (مطهری ، ۱۱۵).

مفهوم شناسی عقل :

الف - تعریف عقل در لغت

عقل در لغت به معنای ثبات در امور، حبس و دیه است. قوه تمیزی است که انسان را از حیوان جدا می کند (ابن منظور، ۸۴۷/۴) این کلمه در اصل از عقال به معنای ریسمانی که به وسیله آن زانوی شتر سرکش را می بندند و مهار می زند، آمده است عقل قوه ای است در وجود آدمی که جلوی غرایز و امیال سرکش او را می گیرد و هوس های او را می بندد (ابن فارسی، ۲۲۸) در لغت نامه دهخدا نیز عقل چنین تعریف شده است: «خرد و اندیشه و دریافت صفت اشیاء از حسن و قبح و کمال و نقصان و خیر و شر یا علم به مطلق امور به سبب قولی که ممیز قیح از حسن است یا به سبب معانی و علوم مجتمعه در ذهن که بدان اغراض و مصالح انجام پذیر است». (دهخدا، ماده عقل). جوهری عقل را «حجر و نهی» معنا می کند (جوهری، ۵/۱۷۶۸).

ابن منظور می گوید: «العقل الحجر والنهي ضد الحمق» طبق دیدگاه این دو لغت دان معنای عقل، رشد و خرد می باشد در مقابل حماقت و ابله همان گونه که عده ای عقل را در برابر جهالت می دانند که براساس نظر این گروه عقل به معنای علم می باشد (فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ۵۶۵).

لغت دانان عرب واژه عقل را هم چنین در معانی دیگری از قبیل «قلب»، «دیه»، «تأمل در کارها»، «تمیز» و استعدادی که با آن علم و آگاهی تحقق می یابد، به کار بردہ اند. (راغب اصفهانی، ۳۵۴).

احمد بن فارس بعد از اینکه معانی متعددی برای واژه عقل بیان می کند می گوید: «من ذلك : العقل وهو الحاسب عن ذي القول والفعل» (ابن فارس، ۶۹ و ۷۱/۴)، عقل به معنای معروف نیز از این قبیل است چون که عقل با معنای اصطلاحی اش بازدارنده فرد عاقل از قول و فعل نکوهیده است و در واقع او را از گفتن قول و فعل نکوهیده حبس می کند.

با توجه تعریف های مختلف برخی از لغت دانان (غیبه، ۳۶) برای عقل چهار کار کرد بیان کرده اند.

- ۱- عقل مترادف بار شد و آن قدرتی بالفعل برای استنتاج از نتایج و دلالات صحیح است.
 - ۲- وسیله ای است در انسان برای تفکر، اراده، ممارست فهم و داوری.
 - ۳- درک و داوری صواب، هماهنگ با منطق است.
 - ۴- موهبتی برای درک متفاوت از احساس.
- در این نوشتار مقصود از عقل همین معنای چهارم است.

ب - عقل در قرآن و روایات

خود لفظ عقل به عینه در قرآن به کار نرفته است ولی مشتقات آن حدود پنجاه بار در قرآن مجید استعمال شده است؛ البته در برخی موارد در آیات کریمه به جای واژه عقل از الفاظی شبیه حجر و نهی استفاده شده و صاحبان عقل و خرد را اولو النهی (آل عمران، ۳) و ذی حجر (الفجر، ۸۹) می خوانند.

قرآن در موارد متعددی فواید و آثار گرانبهای تعلق و فرجام ناپسند و ناکام عدم تعلق را بیان کرده است. مثلاً در سوره مائدہ تسلیم در برابر حق و ایمان به توحید نتیجه و عقل است و استکبار در مقابل حق و توحید نتیجه عدم تعلق

است. البته ناگفته نماند قرآن صریحاً آن را ستد است عقل به معنای مصدری است یعنی اندیشیدن و آنچه مزمن کرده عدم این عقل است بنابراین وقتی قرآن اندیشیدن و تعقل را می‌ستاید به طریق اولی نیرویی که این عمل پسندیده را انجام می‌دهد می‌پسندد.

در روایات ائمه اطهار(علیهم السلام) نیز عقل و کاربرد آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تعداد روایات مربوط به عقل به اندازه‌ای زیاد است که عده‌ای از نویسنده‌گان آن‌ها را غیرقابل شمارش دانسته‌اند.

پیامبر (ص) فرموده‌اند خداوند چیزی برتر از عقل میان بندگان تقسیم نکرده است (کلینی، ۱۴/۱).

امام علی (ع) می‌فرمایند: «خدا با چیزی بهتر از عقل پرستش نشده است».

شاید بهترین تعبیر درمورد عقل پاسخ امام صادق (ع) باشد در جواب شخصی که از ایشان پرسیدند: عقل چیست؟ «عقل چیزی است که به وسیله آن خدا پرستیده شود و بهشت به دست آید. سائل می‌گوید گفتم آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: نیرنگ و شیطنت بود. آن مانند عقل است ولی عقل نیست» (کلینی، ۱۶/۱).

با دقت در روایات درمی‌یابیم هریک از احادیث اثری از آثار عقل را بیان نموده است علامه مجلسی بعداز اینکه روایات متعدد باب عقل و جهل را بیان می‌کند و معانی واژه عقل را تبیین می‌کند خلاصه مفهوم روایات در خصوص عقل را چنین بیان می‌کند اخباری که در مورد عقل وارد شده است، در معنای اول قوه‌ای است که خیر و شر را درک و جدا می‌سازد و انسان را بر تشخیص اسباب و موانع امور خیر و شر توانا می‌سازد. و دوم حالتی نفسانی است که انسان را به گزینش خیر و سود دوری جستن از شر بنابراین به نظر می‌رسد همگان در اطلاق عقل بر گوهری نفسانی که خیر و شر و حسن فعل خیر و قبح فعل شر را درک می‌کند اتفاق دارند.

مفهوم شناسی فرهنگ

هیچ یک از کتاب‌های لغت و دایرة المعارف‌ها تعریف خاص و مشخص در مورد مفهوم و ماهیت فرهنگ ارایه نکرده‌اند. (جعفری، ۱۳۷۹). فرهنگ واژه‌ای فارسی است که پیشینه‌ای دور و دراز دارد این واژه مرکب از دو جزء «فر» «هنگ» است. فر به معنی «جلو» و «بالا»، «بر»، «پیش» و... آمده است هنگ نیز از ریشه‌ی اوستایی «ثنگ»^۱ به معنی «کشیدن»، «زور»، «قدرت» و... گرفته شده است. بر این مبنای از نظر لغوی می‌توان واژه فرهنگ را کشیدن به سوی بالا و «بیرون کشیدن» معنی نمود که تلویحًا سیر تکاملی ورستن و رستاندن از جهل و تاریکی را نیز می‌رساند. علاوه بر این در زبان فارسی فرهنگ به عنوان یک واژه بسیط نه ترکیبی رساننده‌ی مفهوم ادب، تربیت، معرفت، حکمت، هنر، عقل، دانش و بزرگی نیز بوده است. (نایینی، ۱۳۸۹).

تنوع مفاهیم و وسعت معانی اصطلاح فرهنگ، چنان بعد گسترده‌ای یافته است که دیگر نمی‌توان آنرا منحصراً به مفهوم و معنای دانش و تربیت محدود دانست چنان که امروزه در تعاریف ارایه شده از فرهنگ، به معنای لغوی آن توجّهی نمی‌شود و عمده‌تاً ابعاد جامعه شناسانه، مردم‌شناسانه و روان‌شناسانه مورد توجه است. بر این اساس، تعداد تعاریف فرهنگ ظاهرآبه دویست و سیصد و حتی بیشتر می‌رسد و مفاهیمی که هر روزه با پسوند و پیشووند فرهنگ نظیر: فرهنگ شهری، فرهنگ روستایی، فرهنگ عشايری، فرهنگ ماشینی، هویت‌فرهنگی، بی‌فرهنگی و... به کار می‌روند هیچ کدام مغایر با تعاریف مطرح شده و بیرون وجودای از آن نیست (روح الامینی، ۱۳۶۸).

¹ thanga

تعریف ادوارد بی تایلور در کتاب «فرهنگ ابتدایی» در سال ۱۸۷۱ از فرهنگ یکی از شناخته شده‌ترین تعاریف است او فرهنگ را این گونه تعریف نموده است: «فرهنگ یا تمدن مجموعه پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره عادات، رفتارها و ضوابطی که فرد به عنوان عضوی از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن، جامعه وظایف و تعهداتی بر عهده دارد، می‌باشد.»

فرهنگ در میان همه جوامع به عنوان کیفیت یا شیوه‌ی بایسته و شایسته حیات بشری تعیین شده است. آنچه موجب بروز تعاریف مختلف و متعدد شده است تنوع دیدگاه محققان و صاحب‌نظران در تفسیر فرهنگ به اتفاق نظر در اصل تکامل آن بوده است این اختلاف چنان که خواهیم دید با گذشت زمان و بروز انواع پدیده‌ها و مورد توجه قرار گرفتن آن‌ها به عنوان کیفیت‌های شایسته حیات بوده و در برخی موارد معلوم خصوصیت‌های محیطی و برداشت از جهان‌بینی بوده است. (جعفری، همانجا، ۳).

آلفرد کروبر در کتاب انسان‌شناسی خود فرهنگ را «ابوه واکنش‌های حرکتی، اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها و ارزش‌ها و رفتار ناشی از آن‌ها تعریف کرده است واندیشه‌ها و ارزش‌ها را هسته‌ی اصلی فرهنگ می‌داند (چلپی، ۱۳۷۸).

از دیدگاه اولسون فرهنگ مجموعه‌ای چهار جزئی است که این اجزاء عبارتند از باورها، ارزشها، هنجارها و فن آوری‌ها او بر این عقیده است که باورها به پرسش «چیستی» ارزشها به پرسش «چه باید باشد» هنجارها به پرسش «چه انجام می‌شود» و سر انجام فن آوری‌ها به پرسش «چگونه انجام شود» پاسخ می‌دهند. (همانجا).

فرهنگ از نظر شاین در سه سطح مطرح است: باورها و مفروضات که عمیق‌ترین سطح و هسته فرهنگ است. ارزش‌ها و هنجارها که مبنای قضاوت در مورد آنچه درست یا نادرست است می‌باشد مصنوعات که سطح ظاهری فرهنگ می‌باشند. (ادگار، ۱۳۸۲).

فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره) به مفهوم ملت و هویت یک ملت تعریف شده است؛ «فرهنگ مبدأ خوبختی و بدبختی ملت است اگر فرهنگ ناصالح باشد این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند، به تربیت فرهنگ ناصالح (Хمینی، صحیفه نور، ۱/۴۴۵).

از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) «فرهنگ مجموعه‌ای سیاسی است که مستقیماً مربوط به انسان است. فرهنگ برآیند عادات و اعتقاداتی است که به یک جامعه اختصاص پیدا می‌کند. بی تردید بخشی از این عادات و اعتقادات جو ششی است که از نسل گذشته به نسل حاضر رسید و بخشی از آن کوششی است که ثمره نسل حاضر است. در واقع فرهنگ شناسنامه دسته‌جمعی یک ملت است هویت همگانی است که همگان باید پاسداری و حراست از آن بکوشند و دفاع کنند. (سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۴).

از دیدگاه معظم له فرهنگ منشأ انقلاب اسلامی و تحول در سایر حوزه‌ها است که باید به وسیله مسئولین نظام و مدیران فرهنگی مورد توجه اکید واقع شود.

با بررسی تعاریف متعددی که از فرهنگ ارائه شده است می‌توان مشترکات ذیل را از آن‌ها استخراج نمود : ۱- عامل وحدت ونظم ۲- راهنمایی و دلالتگر ۳- وجه تمايز جامعه ۴- نظام ارزشی متعادل ۵- دانایی و شناخت و انتقال آن ۶- شناخت به اضافه‌ی تجربه و مهارت ۷- ملکه‌ی جمعی ۸- پژوهش اندیشه ۹- ارزش ۱۰- ارزیابی ۱۱- هنر ۱۲- رفتار

بر خواسته از ضمیر ناخود آگاه ۱۳- رفتار سنتی ۱۴- سرپرده‌گی جمعی ۱۵- رفتار مکتب ۱۶- رفتار تحمیلی اجتماع بر اعضا (نایینی، ۱۳۸۹).

مفهوم شناسی مدیریت

مدیریت معادل واژه انگلیسی management به مفهوم علم و هنر واداره کردن سازمان‌های اجتماعی به کار برده‌می‌شود. علم مدیریت در دنیای امروز به علت ثمرات ارزشمندی که به کارگیری صحیح آن برای سازمان‌های مختلف در پی داشته از رشد و توسعه چشم‌گیری برخوردار شده است. بسیاری از نظریه‌پردازان و دانشمندان، مدیریت را مهم ترین رکن تحول و پیشرفت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... می‌دانند و برای رشد و توسعه آن سرمایه گذاری قابل توجهی می‌کنند.

در خصوص تعریف مدیریت همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در حوزه علوم انسانی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، جرح موریس می‌گوید: «مدیریت را می‌توان علم و هنر مشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی به منظور نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی تعریف کرد.» (نقل از الوانی، ۱۳۶۹).

هنری مینتز برگ معتقد است مدیریت شامل وظایف و نقش‌هایی چون رهبری سازمان، منبع اطلاعات و عامل تصمیم‌گیری و ایجاد رابطه با سایر سازمان‌ها است (حیبی، ۲۷).

در مجموع دیدگاه‌های مختلف در باب مفهوم مدیریت گویای این است که مدیریت ترکیبی از علم و هنر است و مرز میان این دو به این صورت تبیین می‌شود که برای اداره سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی استی با اصول، تئوری‌ها و روش‌های علم مدیریت آشنا شد. و سپس در به کارگیری این علم باستی از قابلیت فردی یا هنر اعمال مدیریت استفاده نمود.

اگر چه مدیریت در مفهوم کلی و عام آن به شکل‌ها و با دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده اما تقریباً همه اندیشمندان اتفاق نظر دارند که مدیریت عامل رسیدن به اهداف سازمان است.

استونر مدیریت را فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل کوشش‌های اعضای سازمان و سودجوستان از تمام منابع سازمان برای دستیابی به اهداف معین سازمانی می‌داند (به نقل از نایینی، ۱۳۸۹).

مفهوم شناسی مدیریت فرهنگی

در عصر جدید مساله فرهنگ بسیار پیچیده‌تر از گذشته شده است. امروز به دلیل گسترش وسائل ارتباط جمعی که امکان تهاجم فرهنگی را به شدت و سرعت فراهم کرد. فرهنگ‌ها در هم تنبیه شده و هر فرهنگی هم‌زمان در مکان‌های مختلفی حضور دارد ذوق‌های فرهنگی، تحول و تغییرات فراوانی پیدا کرده است و صنعت‌گرایی هم کمک کرده که این جریان فرهنگی به صورت گسترده‌ای در دنیا و به صورت متراکم و در هم توسعه پیدا کند. بنابراین مساله مدیریت فرهنگی نیز به همین نسبت پیچیده است.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرمایند: «مدیریت فرهنگی به مفهوم وجود یک دستگاه متفکر، مدیر و مدبر است که قادر است فرهنگ یک کشور را قانونمند و ضابطه‌مند سازد بنابراین مدیریت فرهنگی در مقابل هرج و مرج فرهنگی قرار دارد و مرکز این مدیریت نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی است.»

جایگاه عقل در مدیریت فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات

عقل که حکمی جاودانه فرازمان و فرامکان دارد در دین اسلام و فرهنگ اسلام جایگاهی والا دارد در بسیاری از آیات و روایات به تفصیل در مورد مقام عقل و حجیت برداشت های آن تأکید شده است و در این آیات و روایات عقل به عنوان حجت الهی قلمداد شده است همان‌گونه که قبلابیان شده در قرآن کریم حدود پنجاه بار ماده عقل و واژه های مترادف آن استعمال شده است و در بیش از سیصد آیه از قرآن کریم خداوند متعال انسان را به استفاده از عقل، خرد و تأمل و تفکر دعوت کرده است مثلاً در سوره بقره آیه ۴۴ خداوند متعال می فرمایند ا فلا تعقولون ... و فقهای امامیه نیز با عبارت های مختلف به تکریم عقل و جایگاه آن تأکید داشته اند و تأمل شده اند به اینکه ایمان بدون خردورزی امکان ندارد (حلی، ۱۵۵).

امام موسی کاظم (ع) می فرماید: «خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است. حجت آشکار، حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیشوایان دینی هستند و حجت پنهان عقل است.» (حرانی، ۲۰۱). هم چنین گفته اند عقل ها، پیشوایان اند یشه ها به شمار می روند. از این گونه روایات که در مورد عقل وارد شده بسیار است که ما به همین مقدار سنجیده می کنیم در برخی از ساحت های فرهنگ اسلامی گرایش به عقل حاکم است چون کتاب و سنت و اجتماع محدودیت دارند و نمی توانند جزئیات همه احکام را در طول زمان صادر کنند برداشت های عقلی در مدیریت اسلامی حجیت داشته چون به عنوان سازگاری برای توسعه فرهنگی در برخورد با متون اسلامی یاری دهنده مخاطب متن هستند.

تکیه بر عقل از همان ابتدای زمان نزول آیات و صدور روایات از ناحیه پیامبر اکرم (ص) مورد توجه جدی واقع شد، چون با رواج بحث جعل حدیث توسط جاعلان و نسبت دادن آن به قرآن و پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) فرآیند فهم نصوص با مشکلات جدی مواجه شد. در نتیجه برای اینکه وضعیت مشخص شود ناچار باید ملاکی وجود می داشت تا مراجعه کنندگان به آیات و روایاتی را از تحریر و سرگردانی خارج کرده تکلیف آنها را مشخص نمایند و این ملاک چیزی جز خرد و عقل نمی تواند باشد و هرچه از زمان صدر اسلام دورتر می شویم به دلایل مختلف از جمله پیشرفت علوم و... ضرورت بیش از پیش رجوع به حکم عقل آشکار تر می شود. بنابراین با در نظر گرفتن چنین وضعیتی برای مدیریت صحیح فرهنگی یک مدیر فرهنگی لائق باید با به کار گیری هوشمندانه و دقیق عقل، برای مشکلات فرهنگی راه حل ارائه نماید.

وقتی از عقل به عنوان یکی از ادله استنباط احکام شرعی در عرض کتاب، سنت و اجماع صحبت می کنیم مقصود ما عقل به عنوان یک دلیل مستقل است نه اینکه مقصود ما عقل صرفاً ابزاری برای تفسیر و تبیین سنت و کتاب باشد. بنابراین عقل منبعی مستقل برای استنباط احکام شرعی است و ابزاری است که در تبیین سایر ادله استنباط و حل تعارض بین آنها مورد استفاده واقع می شود.

مرحوم مظفر می فرماید: «دلیل عقلی هر دلیلی است که موجب قطع به حکم شرعی شود و علت اعتبار عقل در چنین مواردی به خاطر این است که عقل موجب یقین و حصول قطع می شود یقینی که ذاتاً حجت است بنابراین شامل ظنون و گمان ها نمی شود» (مظفر، ۴۷۷) شیخ مفید «علیه رحمه» حسن و قبح می فرماید: «حسن یعنی آن چیزی که با عقل سازگار باشد و قبح یعنی چیزی که عقل با آن سازگار نباشد» (مفید، ۱۴۱۴) هم چنین مرحوم صدر

می فرماید: «دلیل عقلی، قطعی است که بهما در رسیدن به حکم شرعی کمک می کند و حجت آن از باب حجت قطع می باشد» (صدر، ۲۵۴/۲) بنابراین عقل در فرهنگ و فقه اسلامی یک منبع مستقل است که علاوه براین که توان استباط احکام شرعی را دارا می باشد به عنوان ابزاری برای فهم و تبیین سایر ادله نیز مورد استفاده واقع می شود.

کاربرد عقل عملی در مدیریت فرهنگی از دیدگاه قرآن

نکته دیگری که در این بحث حائز اهمیت است این است که علماء فلسفه عقل را به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می کنند.

در قلمرو عقل عملی سه شاخه قرار می گیرد. سیاست مدن، تدبیر منزل و اخلاق. عقل عملی به تنظیم و بازنگری در کنش های اجتماعی و غیر اجتماعی آدمی می پردازد. رفتارهای اخلاقی و اعمال صالح که در آیات و روایات بر آنها تأکید شده است در حوزه عقل عملی قرار می گیرد و فهم عقل نظری در مورد استخدام عقل عملی به کار می رود (جوادی آملی، ۱۵۴).

ارسطو اولین فیلسوفی است که به تقسیم دو گانه عقل پرداخته است. در باب تمیز عقل عملی از عقل نظری چند نظریه از سوی متفکران اسلامی مطرح شده است.

عقل نظری جنبه ادراکی دارد، اما عقل عملی، جنبه تحریکی دارد. عقل عملی، فاقد بعد ادراکی بوده و فقط عامل فعل است. ابن سينا نفس ناطقه انسان را دارای دو قوه می داند: یکی قوه عالمه و دیگری قوه عامله، و اگر هم به هر یک از این دو قوه عقل گفته می شود از باب اشتراک لفظی است، چرا که عقل به معنی ادراک است، در حالی که قوه عامله، مبدأ تحریک بدن انسان برای انجام کارهای جزئی است اختلاف این دو عقل مربوط به غایت آن هاست. عقل نظری به عالم اعلی نظر دارد چرا که علوم نظری را از عالم مافوق نفس دریافت می کند اما عقل عملی به تدبیر بدن توجه دارد. غایت حکمت نظری، کمال نفس از جهت علم و آگاهی است. اما غایت حکمت کمال نفس از نقطه نظر عمل و نیل به مقام عدالت است (ابن سينا، ۳/۲۶۰).

آیت ا... مطهری آرای گوناگون ابن سينا را در آثار گوناگون وی به صورت ذیل در چند بخش جمع بندی می کند. حکمت نظری محصول توجه عقل به جهان بالاتر است تا به صورت عقل بالفعل درآید و حکمت عملی محصول توجه عقل به تدبیر بدن است و غایت هر دو حکمت هم کمال نفس است غایت اولی کمال نفس فقط از جهت مطلق دانستن است، اما غایت حکمت عملی، کمال نفس از جهت دانستن برای خوب عمل کردن است. آرا و عقاید در علوم عملی ابزار و وسیله برای عمل کردن است.

ماهیت عقل عملی، از نوع عقل نیست بلکه لفظ عقل بر آن اطلاق شده است اگر هم شیخ گفته که عقل عملی متوجه تدبیر بدن است، مرادش تدبیر زندگی بدنی است که فقط جنبه فردی و نفسانی ندارد بلکه متوجه زندگی اجتماعی هم هست. (مطهری، ۷/۲۳۱ - ۲۳۲).

مدیریت فرهنگی چون با عمل و رفخار مردم پیوند دارد بنابراین این دانش بیشتر با عقل عملی ارتباط دارد. البته این که مباحث حوزه مدیریت فرهنگی غالباً با حوزه عقل عملی سرو کار دارند به این معنا نیست که عقل نظری در این رشته هیچ دخالتی نداشته باشد و مباحث آن عملی محض باشند بلکه تمام مباحث حوزه فرهنگ از طریق تبیینات عقل نظری به سرانجام می رسند. در واقع طبق دیدگاه برخی از فلاسفه عقل نظری و عملی اختلاف ماهوی ندارند و

یک قوه اند فقط گاهی با بینش ها و آراء نظری مرتبط است و گاهی با کنش ها و رفتارها مرتبط است . اسلام نیز در همین حوزه به تحلیل امور فرهنگی جامعه می پردازد و استنباط های عقل عملی به تولید حکم شرعی در تدبیر مدن و زندگی سیاسی شیعه می پردازد. (فیرحی ، ۱۳۸۳) عقل عملی با تکیه بر ملازمه میان حکم عقل و شرع و بر عکس به تولید حکم شرعی در مدیریت جامعه و زندگی اجتماعی افراد می پردازد.

فهم خرد ورززانه در اندیشه دینی ، عقلانیتی جامع اندیش است که دغدغه دنیا و آخرت را با هم دارد و حکم میکند که انسان به سود دنیوی و مادی بسته نکند و در حصار عقلانیت ابزاری که تنها ماده و روابط مادی انسان را می بیند باقی نماند. (نبوی ، ۱۳۷۹). دانش مدیریت فرهنگی با استناد بر عقل باید در جهت توسعه فرهنگی حرکت کند در واقع عقل عملی باید اجتهاد را به دانشی پویا و زمان آگاه تبدیل کند چون در ک مقتضیات زمانی و مکانی هر حکم با در نظر گرفتن عقل و برداشت های عقلی امکان پذیر می نماید .

عوامل موقیت مدیر فرهنگی

در ادامه چون توسعه فرهنگی وابسته به ویژگی های مدیران فرهنگی می باشد برخی از عوامل تأثیرگذار بر موقیت مدیر فرهنگی را از دیدگاه قرآن بیان می کنیم.

موقیت و یا شکست یک مدیر فرهنگی و برنامه ریزان تبلیغی در رسیدن به اهداف خود پنج عامل وابسته است:

انگیزه مدیر فرهنگی

محتوای کار فرهنگی

ویژگی های مدیر فرهنگی

ابزارهای فرهنگی

شیوه کار فرهنگی و ارسال

۱- انگیزه مدیر فرهنگی

بدون تردید، انگیزه قبل از هر چیز دیگر، ضامن موقیت هر مدیر فرهنگی و برنامه های تبلیغی اوست، هر چه انگیزه قوی تر باشد، امید موقیت بیشتر است، تأمل در متون دینی ای که در باره جایگاه تبلیغ و مدیر فرهنگی در اسلام سخن می گوید می تواند زمینه ساز تقویت انگیزه مدیران فرهنگی و تبلیغی باشد.

در این متون، ضرورت تبلیغ به عنوان یک تکلیف الهی و وظیفه دینی، اهمیت و آثار و برکات آن برای مدیر فرهنگی از یک سو و برای مردم از سوی دیگر، مورد تأکید قرار گرفته و فرهنگ به عنوان پایگاه احیای معنوی مردم و یاری رساندن به خدا معرفی شده است. (الأنفال، ۲۴؛ محمد، ۷؛ الصاف، ۱۶).

هم چنین مبلغ و مدیر فرهنگی، نماینده خدا، نماینده رسول، نماینده کتاب خدا، حجت خدا به مردم معرفی شده است. (فصلت، ۳۳؛ کلینی، ۱؛ ۴۰۳؛ صدوق، الخصال، ۱۴۹ / ۱۸۲).

مدیر فرهنگی ترجمان حق، سفیر خالق و فراخواننده مردم به سوی خداست. (راوندی، ۱۳۲؛ الصدوق الامالی، ۲۴۷ / ۲۶۶).

مدیر فرهنگی مجاهدی است که با سلاح سخن و قلم، به یاری خدا (یعنی دفاع از همه ارزش های انسانی و مبارزه و جهاد با همه زشتی ها و ناهنجاری ها) برمی خیزد و جامعه را به مقصد اعلای انسانی دعوت می کند (طوسی، ۵۴ / ۴۶) و

بدین سان یک مدیر فرهنگی، ارزشمندتر از هزاران عابد است، چرا که همت عابد، در جهت نجات خویش است و همت مدیر فرهنگی و مبلغ در جهت نجات مردم و خدمت به خلق و از این رو، در قیامت به عابد گفته می‌شود:

«انْطَلِقْ إِلَى الْجَنَّةِ : بِسُوَى بَهْشَتِ بَرْوٍ»

اما به مدیر فرهنگی و مبلغ گفته می‌شود: «قف! تَشَفَعَ النَّاسُ بِحُسْنِ تَأْدِيبِكَ لَهُمْ» (صدق، علل الشرایع ۱۱/۳۹۴؛ صفار، ۷/۷).

درنگ کن! و پاداش آن که مردم را نیکو تربیت کردی، آنها را شفاعت کن!

این فضایل، برای همه مدیران فرهنگی و مبلغان واجد شرایط است، اما کسانی که خلاقیت و ابتکار بیشتری دارند، از کمالات برتری برخوردارند و اگر به بلاد کفر و شرک سفر کنند و آن جا جان بدهنده به سان ابراهیم خلیل(ع) در قیامت به صورت یک دست محشور می‌گردد. (طوسی، ۴۶/۵۴).

البته این جایگاه رفیع و مدیر فرهنگی مسئولیت بسیار سنگینی بدوش آنان می‌گذارد. و باید با آگاهی کامل و تدبیر و عقل وارد این عرصه شود.

۲- محتوى کار فرهنگي

محتوى بسته‌های فرهنگی و کار تبلیغی، یکی دیگر از ارکان موفقیت آن است و هر چه محتوى با موازین عقلی سازگارتر و پیام مبلغ از غنای فرهنگی بیشتری برخوردار باشد میران موفقیت و تأثیر گذاری در مردم افزایش می‌یابد خصوصاً در دانشگاهها که مخاطب خاص دارد باید در نقاط مشترک دانشجو، استاد و کارمند کار کرد و بسته‌های فرهنگی خاصی باید برای آنان تجویز کرد.

۳- ویژگی‌های مدیر فرهنگی

سومین رکن موفقیت، ویژگی‌های شخصی مدیر فرهنگی است. در صورتی می‌تواند در جایگاه واقعی خود، تداوم بخش راه انبیاء الهی باشد و از ارزش‌های دینی دفاع کنند که از نظر علمی، اخلاقی و عملی، واجد ویژگی‌هایی باشد که اسلام برای دعوت کنندگان مردم به خدا و ارزش‌های انسانی و اسلامی ضروری می‌داند. خلاصه این ویژگی‌ها ۱- دین شناسی باشد ۲- مردم شناس باشد ۳- مخاطب شناس باشد. خردورزی و عقل را سرلوحه کارفرنگی خصوصاً در محیط دانشگاهی قرار دهد.

۴- ابزارهای فرهنگی

یک مدیر فرهنگی، علاوه بر داشتن انگیزه‌ی قوی و پیام فرهنگی غنی و ویژگی‌های شخصی لازم برای موفقیت نیاز به ابزار دارد. سخن مهم‌ترین ابزار به مفهوم عام آن، تنها ابزار در در طول تاریخ است که در قالب‌های موعظه، خطابه، مناظره، نشر و نظم به اندیشه و دل مردم منتقل می‌کند.

جالب است که در روایات اسلامی نوشتار نیز از مصاديق سخن شمرده شده و خط را (زبان دست) خوانده‌اند. و براین اساس وسائل اطلاع رسانی جدید مانند سینما، تئاتر، اینترنت، ماهواره و ... از اشکال گوناگون سخن محسوب می‌شوند. لذا باید از ابزارهای جدید انتقال که سهم جدی در انتقال دارند استفاده کافی برد.

۵- شیوه کار فرهنگی

پنجمین رکن موقیت یک مدیر فرهنگی، شیوه‌ی کار فرهنگی است، تبلیغ هنر بزرگی است و مبلغکامل، هنرمندی بزرگ. مدیر فرهنگی علاوه بر عوامل چهارگانه باید از هنرمندی خاص برخوردار باشد، بکارگیری شیوه‌های مؤثر و جدید دنیای مدرن و اجتناب از شیوه‌های تکراری و ملال آور و نادرست.

مهتمرين نکته اين که کارايي سخن و همه ابزارهای جدید در مقابل کارايي عمل و اخلاق و اخلاص بسیار ناچیز است. لذا مدیر فرهنگی باید آراسته به علم و عمل و اخلاق و زینت ظاهری باشد.

نتایج مقاله

عقلانیت ملاک‌های اصلی در مدیریت فرهنگی کشور است. البته مقصود از عقل، عقلی است که برهان یابند و با مبادی و مبانی آن وجود خداوند و ضرورت نیاز به پیامبر و حی ثابت شود، حکم این عقل در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌دانش (مدیریت فرهنگی) حجت شرعی است. همانگونه که آیت... جوادی آملی در این خصوص می‌فرماید حکم فقهی، اخلاقی و حقوقی این عقل، حجت شرعی است، شرایط حجت عقل را منطق به عهده دارد زیرا در منطق از برهان یقین آور و تمایز آن از تمثیل منطقی که همان قیاس فقهی است و از استقرای ناقص کاملاً بحث شده است (جوادی آملی، ۱۰۱). عقل ابزاری که صرفاً دنیوی و مادی به زندگی و پدیده‌های آن نگاه می‌کند جایی در فرهنگ اسلام ندارد. مدیریت در اسلام فقط با نگاه به آخرت است. همچنین براساس فرهنگ اسلامی که انسان را موجودی دارای قدرت استنباط و عاقل می‌داند و با تکیه بر اجتهاد می‌توان با قرار دادن دلایل مختلف در کنار یکدیگر به استنباط احکام در حوزه‌های مختلف دست زده این امر سازو کاری اساسی را در فرهنگ اسلامی بوجود آورد تا مدیر فرهنگی در شرایط گوناگون فرهنگی و اجتماعی بتواند احکام عقلاتی را صادر نموده و فرصت پیدا کند تا با رویکردی فعال و نقادانه نظریه پردازی کند. راهکارهای برون رفت از آسیب‌ها و مسائل فرهنگی و اجتماعی را با توجه به شکل جنگ نرم در عصر حاضر از مسیر آیات و روایات با استفاده از ظرفیت عقل عملی استخراج نماید و موجبات توسعه فرهنگی را فراهم آورد. مهمترین عواملی که مدیر فرهنگی را در نیل به این هدف یاری می‌کنند عبارتند از: انگیزه، محتواهای کار فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی، ابزار و شیوه کار مدیر فرهنگی.

- قرآن کریم
- ۱- ابن فارس، ابوالحسن، ۱۴۰۴ق.
 - ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم ، لسان العرب، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
 - ۳- ابو زهو، محمد، تاریخ فرق الاسلامیه، بیروت: دارالفکر عربی ، ۱۹۷۱م.
 - ۴- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
 - ۵- ادگار، شاین، مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری، ترجمه برباد فرهنگی بوزنجانی، شمس الدین نوری نجفی، تهران: سیما جوان، ۱۳۸۲ش.
 - ۶- تایلور، ادوارد بی، فرهنگ ابتدایی، ۱۸۷۱م.
 - ۷- جعفری، علامه محمد تقی، فرهنگ پیشوی، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹ش.
 - ۸- جوهری، اسماعیل بن جماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، چاپ چهارم، دارالعلم للملاین، ۱۹۹۰م.
 - ۹- چلبی، مسعود، برنامه ریزی فرهنگی عامل تغییر یا ثبات، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۸، ۱۹، ۱۳۷۸ش.
 - ۱۰- حبیبی، خصایص مدیران فرهنگی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی بیان، ۲۸، ۱۳۷۹ش.
 - ۱۱- حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران: کتاب فروشی اسلامیه، بی تا.
 - ۱۲- حلی، مناهج اليقین فی اصول الدين، تحقيق: محمد رضا انصاری، بی جا، ۱۳۷۴ش.
دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه.
 - ۱۳- راوندی، فضل الله بن علی ، النواذر، تحقيق: سعید رضا علی عسکری، الطبعه الاولی، قم: مؤسسه دارالحدیث، ۱۳۷۷ش.
 - ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بی تا.
 - ۱۵- سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۰ش.
 - ۱۶- صدقوق، ابو جعفر محمد بن علی، علل شرایع، الطبعه الاولی، بیروت: دارالحیاء التراث ، ۱۴۰۸ق.
 - ۱۷- صدقوق، محمد بن علی ، الامالی، الطبعه الاولی، قم: تحقيق و نشر: مؤسسه البعله، ۱۴۰۷ق.
 - ۱۸- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن ، الامالی ، الطبعه الاولی، قم: مؤسسه البعله، دار الدقاوه، ۱۴۱۴ق.
 - ۱۹- فراهیدی، خلیل ابن احمد، ترتیب کتاب العین، مدرسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
 - ۲۰- خمینی(ره)، روح ا...، جلد اول، صحیفه نور.
 - ۲۱- مفید، محمد بن نعمان، تصحیح الاعتقادات الامامیه، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۵م.
 - ۲۲- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب ، الکافی، الطبعه الرابعه، تحقيق: علی اکبر الغفاری، بیروت: دار صعب و دارالتعارف ، ۱۴۰۱ق.
 - ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد اول.
 - ۲۴- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هفتم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش.

۲۵- نایینی، علی محمد، درآمدی بر مدیریت فرهنگی، نشر ساقی، مؤسسه علمی و فرهنگی علامه عسگری، ۱۳۸۹ش.